

## ترجمه ادبیات معاصر ایران، مترجم ادبی، بهبود کیفی ترجمه ادبی و ...

در گفت‌وگو با کریم امامی

■ چرا آثار نویسندگان و شاعران معاصر ما به انگلیسی (و زبانهای دیگر) این قدر کم ترجمه می‌شود؟

اتفاقاً تعداد آثاری که در سی چهار سال اخیر، حداقل به انگلیسی، ترجمه شده به هیچ وجه کم نیست، و کتاب‌شناسی چنین ترجمه‌هایی به ده‌ها صفحه می‌رسد. برای نمونه بیشتر آثار داستانی صادق هدایت و از جمله «یوف کور» به انگلیسی برگردانده شده است. از صادق چوبک هم علاوه بر «تنگسیر» بسیاری از داستان‌های کوتاه او ترجمه شده است. آل احمد خوشبخت‌تر است، چون علاوه بر داستان‌های کوتاه و بلند او بعضی از مقالات و رساله‌های او هم ترجمه شده است از جمله «غرب زدگی» (اقل‌سه ترجمه) و «خسی در میقات». از سیمین خانم هم علاوه بر تعدادی از داستان‌های کوتاه، «سووشون» دوبار به انگلیسی برگردانده شده. نویسندگان دیگر هم مثل جمال زاده، بزرگ علوی، ابراهیم گلستان، جمال میرصادقی، بهرام صادقی، غلامحسین ساعدی، محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، نادر ابراهیمی، گلی ترقی، ایرج پزشک‌زاد، اسماعیل فصیح، محسن مخملباف، جعفر مدرس صادقی و جمعی دیگر هر کدام یک یا چند اثر ترجمه شده به زبان انگلیسی دارند. و به بعضی از نویسندگان نسل جوان، و از آن میان مخصوصاً به خانم‌ها نیز توجه شده است.

و در مقوله شعر هم وضع به هیچ وجه بد نیست. نیما و شاملو ترجمه شده‌اند. کتاب «تولد دی دیگر» فروغ اقل‌سه بار به انگلیسی برگردانده شده و خود شعر «تولد دی دیگر» او اقل‌ده بار، اگر نه بیشتر. سهراب سپهری هم زیاد به انگلیسی ترجمه شده. و حتی کسانی چون پروین اعتصامی هم بی‌نصیب نمانده‌اند. یکی از جدیدترین کتاب‌های شعری که دیدم به انگلیسی برگردانده شده مجموعه‌ای از غزل‌های خانم سیمین بهبهانی است.

شاید بهتر بود شما می‌پرسیدید چرا آثار ترجمه شده نویسندگان ایرانی در بازار کتاب کشورهای انگلیسی‌زبان مهجور مانده‌اند؟ که این سؤال جوابش به هیچ وجه آسان نیست و به کیفیت آثار و کیفیت ترجمه‌ها و توانایی ناشرانی که این آثار را منتشر ساخته‌اند مربوط می‌شود. و البته جو سیاسی موجود در کشورهای غربی هم جز در دو سه سال اخیر مشوق معرفی و ترویج آثار ایرانی نبوده است.

■ این ترجمه‌ها را بیشتر چه کسانی انجام داده‌اند و چگونه ناشرانی آن‌ها را منتشر ساخته‌اند؟

ترجمه‌ها بیشترشان در امریکا انجام گرفته. و مترجمان یا خودشان مدرس زبان و ادبیات فارسی بوده‌اند و یا دانشجویانی که در رشته‌های دکتری ادبیات فارسی نزد آن استادان درس می‌خوانده‌اند. کارشان به حساب تحقیق دانشگاهی گذاشته شده و به کمک آن یا مدرک گرفته‌اند و یا این‌که ارتقاء رتبه یافته‌اند. کمتر کسی از این ترجمه‌ها بهره‌مالی برده است. و در واقع در ترجمه آثار ادبی معاصر به انگلیسی یا زبان‌های دیگر یولی نیست، نه برای مترجم و نه برای صاحب اثر (جز یکی دو مورد استثنایی که به آن‌ها اشاره خواهم کرد). ناشرانی هم که این کتاب‌ها و آثار را منتشر ساخته‌اند اغلبشان ناشران کوچک و حاشیه‌ای هستند که کتاب‌ها را به زحمت در پانصد تا هزار نسخه در می‌آورند و وقتی هم کتاب چاپ شده بودجه و نه امکانات روابط عمومی برای معرفی کردن کتاب را ندارند، این است که در رسانه‌ها و مطبوعات پرتیراژ از کتاب هیچ صحبتی به میان نمی‌آید و تنها در محافل ایران‌شناسی و نشریات تخصصی مربوط به آن بحثی می‌شود و دیگر هیچ.

در این کار انگیزه مالی وجود ندارد و کسانی هم که با عشق یا امید پا پیش می‌گذارند و وقت صرف می‌کنند و به جایی نمی‌رسند، دیگر تجربه خود را تکرار نمی‌کنند. برای مثال موردی را بگویم که خودم در آن دست‌اندرکار بودم. یکی از رمان‌نویسان معاصر ما (که اجازه بدهید اسمش را نبرم) ترتیبی داده بود که یکی از آثار او به انگلیسی ترجمه شود و برای آن در انگلیس و امریکا در جستجوی ناشری بود. ترجمه را به من نشان داد و از من کمک خواست. و بعد از مکاتباتی که با مؤسسه‌ای در امریکا انجام دادیم قرار شد ترجمه را در ایران ویرایش و حروفچینی کنیم و متن آماده چاپ را به امریکا بفرستیم تا ببینند ناشری برای آن پیدا می‌شود یا نه. من خودم ویرایش متن و نمونه‌خوانی آن را در حسین حروفچینی بر عهده گرفتم و تا این کار به سرانجامی رسید سه ماه گذشت. و بعد چون دیدم متن هنوز به شسته‌رفتگی مطلوب نرسیده است از یکی از دوستانم در امریکا خواهش کردم او هم یک دور متن را ویرایش کند، که کرد. و به این ترتیب شش ماه برای رسیدن به ترجمه خام، سه ماه برای ویرایش اول و حروفچینی و یک ماه نیز برای ویرایش دوم وقت صرف شد. هزینه ترجمه و حروفچینی را نویسنده از جیبش پرداخت و ویراستاران هم افتخاری کار کردند. بعد متن که به امریکا رسید ناشر کوچکی حاضر شد کتاب را چاپ کند به شرطی که نویسنده هیچ حق‌التألیفی نخواهد. نویسنده طبعاً نپذیرفت و از آن زمان تا به حال کتاب در انتظار لطف ناشر تواناتری خاک می‌خورد.

خوشبختانه رواج شبکه اینترنت به کمک ناشران کوچک آمده و به آنان فرصت داده است متاع خود را در این بزرگ‌بازار جهانی عرضه کنند، و بعضی از ترجمه‌های آثار فارسی از این رهگذر خریداران بیشتری یافته‌اند. (نگاه کنید در پایان مصاحبه به موجودی کتاب‌های فارسی. ترجمه شده به انگلیسی در فروشگاه مجازی. [Amazon.com](http://Amazon.com) در شبکه اینترنت.)

■ گفتید یکی دو مورد استثنا هم وجود دارد.

بله، یک مورد استثنا ترجمه کتاب‌های آقای محمود دولت‌آبادی است به زبان آلمانی. ناشری در کشور سوئیس به نام Unions Verlag که به نشر ادبیات کشورهای دیگر علاقه‌مند است تصمیم گرفت «جای خالی سلوچ» آقای دولت‌آبادی را هم در مجموعه «ادبیات جهان» خود بگنجاند. با ایشان تماس گرفت (با وجود این‌که به خاطر نبودن ایران به قراردادهای کپی‌رایت می‌توانست تماس نگیرد)، ادب کرد و برای ترجمه این اثر به زبان آلمانی با ایشان قراردادی بست. و مترجم قابلی را هم پیدا کرد (خانم سیگرید لطفی، همسر آلمانی مرحوم دکتر محمدحسن لطفی) و ترجمه کتاب را به ایشان سفارش داد. ترجمه که به اتمام رسید و منتشر شد خوشبختانه موفق بود و ناشر تشویق شد که «کلیدر» را هم به آلمانی منتشر کند. باز با آقای دولت‌آبادی قرارداد بست و ترجمه دو جلد اول کتاب را به خانم لطفی سفارش داد. این ترجمه هم خوشبختانه موفق بود و از قرار معلوم ترجمه مجلدات بعدی «کلیدر» هم در دستور کار ناشر و مترجم قرار گرفته است. این ناشر متدمن هم به نویسنده و هم به مترجم و جوهراتی می‌پردازد.

و اما مورد دوم استثنا ترجمه‌های آقای کولمن بارکس (Coleman Barks) از اشعار مولانا جلال‌الدین محمد بلخی یا رومی است که چون در امریکا با استقبال فراوان و پُرشور خوانندگان روبرو شده طبعاً حالا دیگر درآمد خوبی باید برای مترجم داشته باشد. ملاک فروش است و اگر کتابی به فروش زیاد برسد طبعاً امکان پرداخت حق‌التألیف و حق‌الترجمه هم برای ناشر آن به وجود می‌آید.

■ چه راه حلی را برای راه یافتن آثار ادبی ایران به میانه بازار کتاب کشورهای غربی پیشنهاد می‌کنید؟

سؤال دشواری است چون اگر چاره آسان بود تا به حال پیدا شده بود. من در ذهن خود به اینجا رسیده‌ام که برای خروج از این بست نیاز به بودجه و کار سازمان یافته داریم و لزوماً دخالت دولت را هم توصیه نمی‌کنم، چون وقتی پای دولت به میان می‌آید انتخاب‌ها جانب‌دار می‌شود. یک بنیاد فرهنگی بی‌طرف باید تولید ترجمه آثار فارسی به انگلیسی و زبان‌های دیگر را بر عهده بگیرد و مهارت‌های حرفه‌ای لازم برای بخش‌های مختلف کار را هم پدید بیاورد.

کشورهای غربی سال‌ها برای ترجمه آثار ادبی خودشان به انگلیسی و فرانسه خرج می‌کردند تا این‌که بالاخره زد و نجیب محفوظ مصری برنده جایزه ادبی نوبل شد و از آن پس ناشران و خوانندگان غربی عنایت بیشتری به آثار نویسندگان عرب‌زبان پیدا کردند. و تازه تصور من این است که این کمک‌ها هنوز هم ادامه دارد.

ما باید آثار برتر نویسندگان خودمان را همین‌جا ترجمه و ویرایش کنیم و متون را بعد از حروفچینی برای یک یا چند کارگزار ادبی به اروپا و امریکا بفرستیم تا برای آن‌ها ناشر پیدا کنند و این آمادگی را هم

داشته باشیم که در صورت لزوم تعدادی از نسخه‌های کتاب‌ها را خودمان بخریم و به ایران بیاوریم تا این ترتیب قسمتی از هزینه چاپ کتاب‌ها مستهلک شود. و زمانی هم که کتاب‌ها منتشر شدند آن‌ها را در بازار یتیم رها نکنیم بلکه وسیله تبلیغ و ترویج آن‌ها را نیز فراهم بیاوریم. نمونه خوبی از این نوع کار برنامه انتشاراتی مؤسسه مطالعات اسماعیلی در لندن است که سالی اقل از چهار عنوان کتاب از آثار متفکران و شاعران اسماعیلی را به انگلیسی ترجمه می‌کند و توسط یکی از ناشران معتبر بریتانیا به چاپ می‌رساند.

در مرحله اول باید تعدادی مترجم جوان تازه را وارد این کار کنیم تا در کنار مترجمان باتجربه تر ریزه کاری‌های فن ترجمه را بیاموزند. خوشبختانه تعداد جوانان انگلیسی و فرانسه‌دانی که بعد از چند سال تحصیل و اقامت در خارج به ایران بازگشته‌اند کم نیست. توانایی‌های این‌گونه جوانان فرهیخته در زبان مقصد (انگلیسی یا فرانسه) معمولاً خوب است. در زبان مبدأ است که اغلب نیاز به کمک دارند.

■ بفرمایید چگونه مترجمانی برای ترجمه آثار ادبی مناسب هستند؟

پاسخ همیشگی را می‌دهم و می‌بخشید اگر تکراری است.

○ تسلط کامل به زبان مقصد و سپری کردن چند سالی در کشوری که مردمانش به آن زبان سخن می‌گویند.

○ تبحر کافی در زبان مبدأ.

○ علاقه به ادبیات و ترجیحاً داشتن قریحه ادبی.

○ آشنا بودن به شعر و ادب فارسی و نیز به شعر و ادب غربی.

○ دارا بودن تجربه ترجمه یکی دو کتاب.

چنین مترجمی نه تنها باید از عهده ترجمه متن برآید بلکه باید توانایی داوری درباره نتیجه کار خود را هم داشته باشد. نشان دادن مکانیکی و اژه‌های زبان مقصد به جای کلمات و اصطلاحات زبان مبدأ تنها نیمی از فرایند ترجمه است. مترجم با بازخوانی ترجمه باید بتواند تشخیص بدهد آنچه برگردانده است چه طینی در گوش خواننده زبان مقصد خواهد داشت. آیا لحن راوی در ترجمه مشابه لحن راوی در زبان اصلی است؟ آیا سبک کار حفظ شده است؟ آیا مترجم توانسته است روح اثر را هم به زبان مقصد منتقل کند؟

دو همکار را برای مترجم پیشنهاد می‌کنم. اول نویسنده اثر، که به حکم قانون و اخلاق، باید از وجود ترجمه آگاه باشد و ابهامات متن را برای مترجم روشن سازد. و دوم همکاری از کشور زبان مقصد که متن ترجمه شده را بخواند و برحسب نیاز در آن دخل و تصرف کند تا ناهمواری‌های متن هموار شود. چنین همکاری به آسانی فراجنگ نمی‌آید و حد و حدود دخالت او نکته ظریفی است که تنها مورد به مورد می‌توان درباره آن تصمیم گرفت. آیا این همکار فرنگستانی ترجمه را باید ویرایش کند یا بازنویسی؟ افتخاری باید کار کند یا حق الزحمه بگیرد؟ ابتدا به ساکن نمی‌توان حکم کرد. ما تنها می‌گوییم وجود

چنین همکاری مطلوب است. چند و چونش تنها در عمل معلوم می‌شود.

■ به اعتقاد شما در چند سال اخیر چه تغییر و تحولی در وضعیت ترجمه در ایران به وجود آمده؟ آیا امکان نظارت کیفی بر کار ترجمه وجود دارد؟ لطفاً توضیح دهید.

از این پرسش چنین بر می‌آید که دل‌مشغولی تان نظارت بر کیفیت ترجمه‌هاست. و لابد بدان نمی‌آید کسی بیاید و پیشنهاد تأسیس «آکادمی ترجمه» را بدهد که بر همه امور مربوط به ترجمه نظارت داشته باشد. ولی من این پیشنهاد را نمی‌دهم چون به این نوع نظارت عقیده ندارم. ولی البته نگرانی شما را درک می‌کنم.

حالا برویم سر سؤال. تغییر و تحولی که از آن صحبت می‌کنید و در چند سال اخیر پیش آمده خارج شدن بسیاری از مترجمان دود چراغ خورده از صحنه (زننده یادان محمد قاضی، عبدالله توکل، دکتر محمد حسن لطفی و جمعی دیگر) و به میدان آمدن تعداد زیادی مترجم تازه کار است که بدون طی مراحل طبیعی رشد یک مترجم (اول، ترجمه مقاله و داستان کوتاه برای مطبوعات) یک‌باره به سراغ ترجمه رمان و کتاب‌های بلند رفته‌اند و زمانی که کتاب به پیشخوان کتابفروشی‌ها می‌رسد انسان نام این مترجمان را قبلاً در جای دیگری ندیده است. متأسفانه بسیاری از این ترجمه‌ها ضعیف هستند و خواننده را که به اعتبار شهرت جهانی نویسنده به سراغ کتاب می‌رود مأیوس می‌کنند. ترجمه‌های مکرر شتاب‌زده از یک کتاب واحد. به اصطلاح مطرح هم یکی دیگر از پدیده‌های این سال‌های اخیر است. البته این وضع مصادف شده است با چند برابر شدن تعداد کتاب‌های منتشره در یک سال (از حدود چهار هزار عنوان از اوایل دهه ۶۰ به بیش از بیست هزار عنوان در سال گذشته) و نیز افزایش بی‌رویه صاحبان پروانه نشر، که اغلب از کار نشر کتاب هیچ اطلاع درستی ندارند.

و اما در مورد امکان نظارت بر کیفیت کتاب‌های ترجمه‌شده. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که بر انتشار کتاب‌ها نظارت دارد کمتر شده که نظارت کیفی را در برنامه کار خود قرار بدهد. بنابراین نظارت بر کیفیت ترجمه‌ها را (که یک کار کاملاً تخصصی است) نمی‌توانیم از وزارت ارشاد توقع داشته باشیم. ولی از ناشر کتاب توقع این نظارت را باید داشته باشیم. ناشری که ناشر باشد سعی می‌کند کتاب بد به بازار نفرستد، بنابراین وقتی کتابی را، ترجمه‌ای را، می‌خواهد برای نشر بپذیرد آن را خودش یا کارشناسان‌اش محک می‌زنند و اگر اشکال داشت آن را به دست ویراستار می‌سپارند، و اگر اشکالات کتاب هم آنقدر زیاد بود که با ویرایش هم رفع نمی‌شد آن را به مترجم برمی‌گرداند. بهترین ناشران امروز ما، مثلاً نشر آگه یا نشر مرکز یا انتشارات نیلوفر، کوشش دارند ترجمه ضعیف به بازار نفرستند و نام نیک خود را خراب نکنند. در مراحل بعد از انتشار هم قاعدتاً منتقدان ادبی هستند که باید کتاب‌های تازه را بخوانند، محک بزنند و گزارشی از یافته‌های خود را در قالب یک مقاله دلچسب و خواندنی به خوانندگان بدهند.

■ برای ارتقای کیفی ترجمه و ساماندهی این فن نیازمند چه برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌هایی هستیم؟

همان‌طور که در ابتدا عرض کردم من اعتقادی به پدید آوردن یک تشکیلات عریض و طویل برای نظارت بر کیفیت ترجمه‌ها را ندارم. ولی نقش ناشران و سهم و ویرایش را در این کار مهم می‌دانم. کتاب خوب، ویراسته و خوشخوان را ناشران خوب و توانا منتشر می‌کنند، که متأسفانه در زمان حاضر، با وجود کثرت ناشران سیاهی لشکر، تعدادشان از تعداد انگشتان دو دست هم تجاوز نمی‌کند. بسیاری از بهترین رمان‌های ترجمه‌شده ما یادگارهای بنگاه ترجمه و نشر کتاب، مؤسسه انتشارات فرانکلین، مؤسسه انتشارات امیرکبیر سابق، انتشارات خوارزمی و ناشرانی از این دست هستند. کار مترجمان خوب را تازه بهترین و ویراستاران با دقت و فراغت مرور می‌کردند و حاصل کارشان هم کتاب‌هایی است که امروز حسرت آن‌ها را می‌خوریم. با این بازار خراب کنونی، ناشران حتی اگر بخواهند متنی را برای ویرایش به دست آن معدود و ویراستاران دقیق و باوجدان بسپارند نگرانی پرداخت حق‌الزحمه سنگین و ویرایش و بالا رفتن هزینه‌های تولید کتاب به آنان اجازه چنین کاری را نمی‌دهد. پس به نظر من اولین شرط ارتقای کیفی ترجمه ایجاد مؤسسات انتشاراتی بزرگ و تواناست، که آن هم در شرایط کنونی با وجود یارانه سنگینی که دولت صرف کار حمایت از کتاب می‌کند بعید است. شرط دوم هم البته پرورش مترجمان دقیق و باسواسی است در حد همان مترجمان دود چراغ خورده نسل قبل، که امیدوارم تحقق این شرط از شرط قبلی آسان‌تر باشد.

■ آیا پیوستن به پیمان‌کپی‌رایت می‌تواند از گسترش آنچه هرج و مرج در عرصه ترجمه نامیده می‌شود جلوگیری کند؟

هرگاه ایران به فرص محال به یکی از میثاق‌های جهانی حفظ حقوق پدیدآورندگان آثار پیوست گردش کار ترجمه کتاب‌های جدید به این شکل خواهد بود: ناشر ایرانی (و نه مترجم) نامه‌ای به ناشر خارجی می‌نویسد و اظهار علاقه می‌کند که حقوق نشر ترجمه فارسی کتابی را که ناشر خارجی منتشر کرده به دست بیاورد. ناشر خارجی از ناشر ایرانی سئوالاتی می‌کند و از جمله می‌پرسد قصد دارد که ترجمه را در چه نیازی و با چه کیفیتی و به چه بهایی منتشر کند. و بعد وقتی پاسخ این سئوالات را دریافت کرد، اگر کتاب آزاد بود شرایط خود را (مثلاً ۵۰ درصد بهای تیراژ یا بیشتر به عنوان حق‌الامتیاز) با ناشر ایرانی در میان می‌گذارد و ناشر ایرانی هم یا شرایط را می‌پذیرد و یا چانه می‌زند و سرانجام وقتی طرفین به توافق رسیدند قراردادی بین ناشر خارجی و ناشر ایرانی به امضا می‌رسد و ناشر ایرانی پیش‌پرداختی معادل ۲۰۰ یا ۳۰۰ دلار یا بیشتر به ناشر خارجی می‌پردازد و طبق قرارداد صاحب حق ترجمه انحصاری اثر به زبان فارسی می‌شود. ناشر ایرانی در قرارداد تعهد کرده است ترجمه روان، وفادار و کاملی از متن را ظرف مدت معینی، مثلاً یک سال، در ایران منتشر کند و در این مرحله باید در

صدد یافتن مترجم قابلی برآید که از عهده کار ترجمه اثر بخوبی برآید. حالا اگر ناشر ایرانی دیگری به فکر ترجمه همین کتاب افتاد و برای گرفتن اجازه ترجمه اقدام کرد ناشر خارجی به او پاسخ خواهد داد که اجازه ترجمه فارسی کتاب را قبلاً واگذار کرده است. و به این شکل است که از ترجمه های مکرر جلوگیری می شود و تنها یک ترجمه مجاز فارسی وجود خواهد داشت، که اگر اتفاقاً خوش فروش هم از آب درآمد همه فروش بالقوه کتاب در بازار ایران نصیب همین یک ترجمه خواهد شد و ناشر و مترجم سود بیشتری خواهند برد.

همین جا می توانید ببینید که تعهد ناشر به یافتن یک مترجم خوب باعث ارتقای کیفیت ترجمه می شود، و بعد بیرون آمدن ترجمه از حالت مسابقه بین چند رقیب خودش عامل دیگری است برای تحقق یک ترجمه سر فرصت که مؤلف و ناشر خارجی هم می توانند در صورت لزوم به حل اشکالات آن کمک کنند.

پیوسته: به پیمان کپی رایت در کوتاه مدت هزینه ترجمه کتاب های جدید به زبان فارسی را بالا می برد ولی در دراز مدت باعث سامان دادن کار ترجمه می شود.

- مهم ترین روشی که می تواند کمک کند تا ترجمه آثار ادبی، علمی و فرهنگی تابع ضوابط باشد و از سهل انگاری در کار ترجمه جلوگیری کند چیست؟

فکر می کنم آنچه تا این جا گفتم برای یک جلسه کفایت می کند. حالا کی هست که این همه نسخه را بیچند؟

-- پدید آمدن ناشران بزرگ و توانا و دارای برنامه نشر؟ شوخی می کنید؟

-- پرورش مترجمان درجه اول در شرایطی که همه چیز، ما را به سوی میان مایگی و شتابکاری سوق می دهد؟ آیا واقعاً عملی است؟ از این همه دوره تربیت مترجم در شعبات متعدد دانشگاه آزاد چند مترجم خوب بیرون آمده؟

-- تشویق نقد ترجمه؟ کجا هستند منتقدان ترجمه و کدام نشریه حاضر است برای نقدی که منتقد سه ماه وقت صرف نوشتن آن کرده حق القلمی معادل مخارج واقعی یک هفته یک خانواده بپردازد؟ فصلنامه «مترجم» که جدی ترین نشریه تخصصی ترجمه است طی چند شماره نقد ترجمه را در برنامه کار خود قرار داد که حاصل آن جز دشمن تراشی برای سردبیر مجله و منتقدان چیز دیگری نبود.

-- پیوستن به کپی رایت؟ کو همت؟

-- دادن جایزه به ترجمه های برجسته؟ مثل این که این یکی از پیشنهادهای دیگر عملی تر است.

## ادبیات معاصر ایران در شبکه اینترنت

فروشگاه‌های مجازی بزرگی چون Amazon.com که امکان خرید کتاب (و بسیاری کالاهاى دیگر) را از خانه به خریداران می‌دهند امروزه از ابزارهای توزیع کالا در جهان به شمار می‌روند. و به این ترتیب حضور یا عدم حضور کتاب در آن می‌تواند شاخصی از محبوبیت آثار یک نویسنده بخصوص یا نویسندگان یک کشور به شمار برود. مقارن انجام مصاحبه بالا برای یافتن آثار ترجمه شده نویسندگان و شاعران ایرانی معاصر جستجویی در فروشگاه آمازون و کتابفروشی Barnes and Noble به عمل آوردیم این است آنچه یافتیم، که تنها عناوین موجود و یا ثبت شده در این دو فروشگاه است و نه همه آنچه به انگلیسی برگردانده شده.

### الف) نشر

#### ● محمدعلی جمالزاده

*Isfahan Is Half the World : Memories of a Persian Boyhood* by Sayyed Mohammad (Ali) Jamalzadeh, W.L. Heston (translator). Princeton University Press. Hardcover, \$50.00

#### ● صادق هدایت

*The Blind Owl* by Sadegh Hedayat (Sadiq Hidayat), D. P. Costello (translator). Grove Press. Paperback, \$9.90.

*Pearl Cannon* by Sadiq Hidayat, Iraj Bashiri (translator). Mazda Publishers. Out of Print. (ناپاب)

#### ● بزرگ علوی

*Prison Papers of Bozorg Alavi : A Literary Odyssey* by Buzurg Alavi, Donne Raffat (translator). Syracuse University Press. Syracuse University Press. Out of Print. (ناپاب)

#### ● صادق چوبک

*Patient Stone* by Sadeq Chubak, M.R. Ghanoonparvar (translator). Mazda Publishers. Hardcover, \$12.95.

#### ● جلال آل احمد

*Gharbzadegi : Westruckedness* by Jalal Al-E Ahmad, John Green and Ahmad Alizadeh (translators). Mazda Publishers. Paperback, \$11.95.

*By the Pen* by Jalal Al-E Ahmad, M.R. Ghanoonparvar (translator). (Middle East Monograph Series, No 8). University of Texas Press. Out of print. (ناپاب)



*Iranian Society : An Anthology of Writings* by Jalal Al-E Ahmad, Michael C. Hillmann (editor). Mazda Publishers. Out of print. (نایاب)

● سیمین دانشور

*Daneshvar's Playhouse : A Collection of Stories* by Simin Daneshvar, Maryam Mafi (translator). Mage Publishers. Hardcover \$22.00.

*A Persian Requiem* by Simin Daneshvar, Roxane Zand (translator). Hardcover. George Braziller. \$22.00. (اولین ترجمه «سوشون»)

*Savushun : A Novel About Modern Iran* by Simin Daneshvar, M.R. Ghanoonparvar (translator). Mage Publisher. Paperback \$12.95.

(دومین ترجمه «سوشون»)

*Sutra & Other Stories* by Simin Daneshvar, Hassan Javadi and Amin Neshati (translators). Mage Publishers. Hardcover \$24.95.

● هوشنگ گلشیری

*Blood ad Bureaucrats and Other Stories* by Hushang Golshiri. Out of Print. (نایاب)

*King of the Benighted* By Manuchehr Irani (H. Golshiri?), Abbas Milani (translator). Mage Publishers. Paperback, \$12.95

● اسماعیل فصیح

*Soraya in a Coma* by Esmail Fassih. Zed Press. Out of Print. (نایاب)

● ایرج پزشک‌زاد

*My Uncle Napoleon* by Iraj Pizishkzad, Dick Davis (translator). Mage Publishers. Paperback \$19.95.

● مهشید امیرشاهی

*Suri and Co. : Tales of a Persian Teenager* by Mahshid Amirshahi, J.E. Knorzer (translator), Hafez Farmayan (introduction). University of Texas Press. Paperback, \$9.95.

● مجموعه‌های داستان کوتاه

*Stories from Iran: A Chicago Anthology.* 26 writers, Paul Losesky, John Perry, Paul Sprachman (translators), Heshmat Moayyad (editor). Mage Publishers. Hardcover, \$35.00; paperback, \$19.96.

*In a Voice of Their Own: A Collection of Stories by Iranian Women, Written Since the Revolution of 1979.* Frank Lewis and Farzin Yazdanfar (translators). Bibliotheca Iranica & Mazda Publishers. Paperback, \$13.95.

## ● (ب) شعر

## ● نیما یوشیج

*Modernism and Ideology in Persian Literature: A Return to Nature in the Poetry of Nima Yushij* by Majid Nafisi (Majid Naficy). University Press of America. Hardcover, \$29.00.

*When the Elephants Came* by Nima Yushij, Mariam Evans (translator), Mage Publishers. Out of Print. (نایاب)

## ● پروین اعتصامی

*Nightingale's Lament: Selections from the Poems And Fables Of Parvin E'tesami*, Heshmat Moayyad, Margaret A. Madelung (translators). Mazda Publishers. Paperback, \$11.95.

*Once a Dewdrop: Essays on the Poetry of Parvin E'tesami*. Heshmat Moayyad (editor). Mazda Publishers.

## ● فروغ فرخزاد

*Bride of Acacias: Selected Poems of Forugh Farrokhzad* by Forugh Farrukhzad. Amin Banani and Jascha Kessler (translators). Bibliotheca Persica Press. Out of Print. (اولین ترجمه «تولدی دیگر»، نایاب)

*Another Birth* by Forugh Farrokhzad, Hasan Javadi, Susan Sallée (translators). Albany Press, 1981. Paperback. Out of Print.

(دومین ترجمه «تولدی دیگر»، نایاب)

*A Rebirth: Poems by Forough Farrokhzad*, David Martin (translator). Mazda Publishers. Paperback, \$10.95. (سومین ترجمه «تولدی دیگر»)

*A Lonely Woman: Forugh Farrokhzad and Her Poetry* by Michael C. Hillman. Lynne Rinner Publishers. Hardcover, \$15.00.

## ● سهراب سپهری

*The Expanse of Greem: Poems of Sohrab Sepehry* by Suhrab Siphri, David L. Martin (translator). Kalimat Press. Hardcover, \$24.95.

## ● سیمین بهبهانی

*A Cup of Sin: Selected Poems by Simin Behbahani*, Farzaneh Milani (translator). Syracuse University Press. Hardcover, \$19.96.

*Wounded Rose: Three Iranian Poets* by Simin Behbahani, Nader Naderpour, Yadollah Royai. Hardcover, \$14.95.